

## از ایلخانیگری قاجارها تا دولت قاجاریه

حوریه سعیدی<sup>۱</sup>

چکیده: در پژوهش حاضر سعی شده است، با انگیزه معرفی چند سند دست اول درباره امور حکومتی دوره قاجار، بحث ترتیبات دیوانی و لشکری در این دوره خاص طرح شود و به برخی تغییرات و تبدیلات آن پرداخته شود. نتیجه بحث آنکه شواهدی دال بر ایجاد تشکیلات، و مشورت با برخی افراد در این حکومت، به ویژه در دوره ناصرالدین شاه دیده می شود ولی به دلیل کمی افراد خبره و صاحب صلاحیت در این شوراها که از اغراض و منافع شخصی خالی، و از وابستگی های خارجی هم دور باشند و نیز قائم به شخص بودن این نوع تشکیلات و اضافه بر آن قدرت دیکتاتوری شخص شاه که حرف آخر را می زده است، این تشکیلات چندان مؤثرتر نبود و در اداره مملکت نقشی ایفا نکرده است. در آخر مقاله اسناد برگزیده به عنوان شاهد مثال آورده شده است.

کلیدواژه ها: ایلخانیگری قاجار، دولت قاجاریه، اسناد برگزیده

### مقدمه

که در زمان صفویان خراجگزار حکومت مرکزی بودند؛ این تلاش های نظامی موقعیتی را برای تنظیم تشکیلات دیوانی باقی نمی گذاشت، حتی زمانی که حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله به عنوان صدراعظم امور کشور را به عهده داشت.

بعد از آقا محمدخان، فتح علی شاه، دوره ای طولانی از سلطنت قاجار را آغاز کرد؛ خلقیات وی که چندان با اداره کردن یک مملکت نمی خواند و بیشتر به یک رئیس قبیله شبیه بود، اجازه نمی داد چندان درباره تشکیلات اداری و تقسیمات آن تلاش و تفکر کند؛ ولی وی نیز برای

سلطنت قاجار بر پایه اتفاق و در اتحاد قبایل مختلف ترک و ترکمن، به خصوص دو طایفه قدرتمند قاجار "قوانلو" و "دوکو" بود. تقسیم مناصب مختلف در تشکیلات اداری و نظامی بر پایه این اتحاد و توافق انجام می یافت. آقا محمدخان قاجار همزمان با قدرت یافتن و احیای مرزهای صفویه که خود را از وارثان ایشان می دانست، به بازسازی سازمان کشوری و لشگری آن دوران و تلفیق آن با نظام ایلخانیگری که خود برخاسته از آن بود، پرداخت. در مدت کوتاهی که آقا محمدخان به عنوان شاه در ایران سلطنت می کرد، بیشترین هم و غم وی پس گرفتن و مطیع ساختن مناطقی از حدود کشور ایران بود

۱. عضو هیئت علمی کتابخانه ملی و عضو هیئت مدیره انجمن زنان پژوهشگر تاریخ

انجام برخی امورات مملکتی از جمله دریافت مالیات‌ها، انجام مکاتبات و مراسلات داخلی و خارجی و امورات لشکری و برخی مسائل درباری و نظامی نیاز به دستیاران و وزیرانی داشت که دستورها و خواست‌های وی را انجام دهند؛ پس تشکیلات "وزرای اربعه" را ایجاد کرد و در رأس این وزراء میرزا ابراهیم خان کلانتر (اعتمادالدوله) را قرار داد. در زمان محمدشاه تشکیلات وزرای اربعه مفصل‌تر شد، ولی شیوه انجام امورات تغییر چندانی نیافت؛ جایگاه و قدرت میرزا ابراهیم خان را حاج میرزا آقاسی (عباسی ایروانی) گرفت.

تشکیلات اداری در زمان ناصرالدین شاه با حضور میرزا تقی خان امیر کبیر صدراعظم، شخصیت قدرتمند و خوش فکر آن عصر، تحول بسیار یافت؛ ولی به دلیل اینکه جامعه درباری و دولت‌های صاحب نفوذ، او و اصلاحات پیشنهادیش را تحمل نمی کردند، با توطئه‌ای تشکیلات کشوری و لشکری از حضور وی محروم ماند. اصلاحاتی که او در امور حکومتی آغاز کرد، به دلیل قائم بودن به خود وی پایدار نماند. در این خصوص می شود به صراحت اظهار نظر کرد که یکی از دلایل شکست اصلاحات در ایران و شاید اصلی ترین دلیل آن، وابسته بودن اصلاحات به افراد و حیات سیاسی آنان بوده است و این خاصیت اصلاحات در جوامع دیکتاتوری است که باید از بالا و از درون حاکمیت آغاز و هدایت شود و همیشه هم با خشونت و استبداد همراه است، چرا که مردم نقشی در حکومت ندارند.

پس از میرزا تقی خان، با حمایت‌هایی از بیرون و درون دربار، میرزا آقاخان نوری صدراعظم شد. نقشی که وی در حکومت ایفا نمود، به هیچ وجه قابل مقایسه با سلف خود نبود و عدم توانایی وی در اداره امور کشور و همچنین شکست ایران از ارتش انگلیس در قضیه هرات که منجر به برقراری معاهده پاریس (۱۸۷۵) شد، برکناری میرزا آقاخان نوری از امور حکومتی را تسریع

کرد. جالب آن است که در فرمان عزل میرزا آقاخان نوری از صدارت موضوع عدم مشورت صدر اعظم با دیگران برای اداره امورات دولتی یکی از دلایل این عزل ذکر شده است: "جناب صدراعظم چون شما امورات دولتی را به عهده گرفتید و احدی را شریک و سهم خود قرار نمی دادید معلوم شد که قوه یک شخص شما از عهده جمیع خدمات ما بر نمی آید. و در این بین خطب‌ها و خطاها اتفاق افتاد و کم کم امورات دولت معوق ماند. شما البته در دولتخواهی راضی نمی شوید که در اینجا باشیم و امورات را غیر منظم ملاحظه فرماییم، لهذا امروز که بیستم محرم الحرام است شما را از منصب وزارت و نظام و نظام الملک، وزیر لشکر را از مناصب خود معزول فرمودیم" (۴: ۲۴۱).

پس از این دگرگونی‌ها و اتفاقات<sup>۲</sup> بود که ناصرالدین شاه در سال ۱۲۷۵ ق. دستور تدارک وزارتخانه‌ای برای اداره امور حکومتی را داد که با عنوان "مجلس شورای وزرا" تشکیل یافت. به نظر می رسد این عمل وی تحت القانات و توصیه‌های میرزا حسین خان سپهسالار (مشیرالدوله) و سرخوردگی او از بی‌ترتیبی اوضاع مملکت که با بی‌سیاستی میرزا آقاخان نوری و دیدن اوضاع اروپا و ظاهر تمدنی آن، بسیار به چشم می آمد، صورت گرفت. ریاست این مجلس به میرزا جعفر خان مشیرالدوله واگذار شد.

وزارتخانه‌هایی که مسئول اداره حکومت شدند عبارت بودند از: وزارت مالیه، وزارت دول خارجه، وزارت جنگ، وزارت داخله، وزارت دیوان عدالت (عدلیه)، وزارت صنایع و علوم، وزارت وظایف و اداره تجارت.

۲. حاج ابراهیم خان در زمان سلطنت آقا محمدخان صدراعظم نبود، بلکه عنوان وزرات داشت و چون آقا محمدخان وزیر دیگری غیر از او نداشت از این جهت همه را صدراعظم وی فرض کرده اند شرح حال رجال ایران (۲: ج ۱، ۲۶).  
۳. شکست ایران از انگلیس در قضیه هرات و امضای معاهده پاریس و عزل میرزا آقاخان نوری از صدارت

به تدریج مرتفع شد و انجام این تحولات سریع تر شد. در سال ۱۲۷۶ق. ناصرالدین شاه دست به تشکیل مجلس دیگری با نام "شورای دولتی" یا "دارالشورای دولتی" زد. این مجلس در ابتدا مرکب بود از یازده نفر از وزرا و رجال سرشناس که امور مملکتی به ایشان محول می شد و پس از طرح و بحث درباره آن، برای تصویب نزد شاه فرستاده می شد؛ البته این کار هم مانند دیگر امور مربوط به قوانین و تشکیلات دولتی و مملکتی چندان نپایید و در مراحل بعد تنها به شکل تشریفاتی ادامه یافت.

اعضای اولیه شورای دولتی عبارت بودند از: میرزا حسین خان سپهسالار که خود یکی از طراحان و عوامل تعیین کننده در شکل گیری آن بود، طهماسب میرزامؤیدالدوله، محمدقلی میرزا ملک آرا، علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، فیروز میرزانصرت الدوله، میرزا عباس خان معاون الملک (قوام الدوله)، پاشاخان امین الملک، محمودخان ناصرالملک، غلامحسین خان سپهدار، میرزا محمدحسین دبیرالملک، دوست علیخان معیرالممالک، محمدرحیم خان علاالدوله، حسنعلی خان امیرنظام گروسی.

علاوه بر این دو مجلس شورا، ناصرالدین شاه، مصلحت خانه ای نیز در همین سال مرکب از جمعی از رجال مجرب دولت به ریاست عیسی خان اعتمادالدوله حاکم سابق اصفهان تشکیل داد که موضوعش "گفتگو در مصالح ملک و ملت" بود (ج ۲، ص ۵۱۱).

در سال ۱۲۸۱ق. ناصرالدین شاه دستور داد که در "میدان ارگ" تهران "صندوق عدالت" قرار دادند که هر کس عریضه ای به شاه دارد در آن صندوق بیندازد. مورخان و وقایع نویسان آن دوران تقریباً همگی در این نظر متفقند که ناصرالدین شاه با وجود استبداد مفرطی که داشت، گاه که مردم عادی به او حرف های گوشه دار می زدند، تحمل و بردباری از خود بروز می داد و طرف مقابل را مورد خشم و غضب قرار نمی داد.

در سال ۱۲۸۳ق. ناصرالدین شاه ترتیب تازه ای برای

میرزا جعفرخان مشیرالدوله از افراد خاندان فراهانی و از تحصیلکردگان انگلیس در دوره عباس میرزا نایب السلطنه بود که در سال ۱۲۷۵ق. به ریاست مجلس مشورتخانه خاص دولتی "یا" مجلس شورای وزرا" برگزیده شد. وی در تشکیلات بعدی دولتی در سال ۱۲۷۶ق. به ریاست "دارالشورای دولتی" انتخاب شد.

وزیران دیگر شورای وزرا عبارت بودند از: میرزایوسف آشتیانی (مستوفی الممالک) که در رأس دیوان استیفا و مالیه قرار داشت؛ میرزا سعیدخان انصاری (مؤتمن الملک) که بر مسند وزارت خارجه تکیه داشت و با برکناری میرزا آقاخان از صدارت، وی همچنان در منصب وزارت باقی بود و این به نوعی نشانگر عدم تغییر سیاست خارجی حکومت قاجاریه بود. میرزا محمدخان دولو قاجار، کشیکچی باشی، از رهبران سازمان های نظامی قاجار که تقریباً با سمت وزیر جنگ حکومت قاجار، ایفای نقش می کرد. میرزا محمدصادق بالقب (قائم مقام) از افراد خاندان نوری بود که به وزارت داخله و نیز لقب "امین الدوله" دست یافت. وی در اداره سازمان های اداری کشور برخلاف میرزایوسف آشتیانی (مستوفی الممالک) که پایبند راه ها و رسوم سنتی بود، به کارگیری روش های نوین در اداره امور کشور را باور داشت. این دوروش در عمل در بسیاری از نقاط در تقابل با یکدیگر قرار می گرفتند. او مدت کوتاهی در این سمت و موقعیت قرار داشت و پس از چندی عزل شد و فرخ خان کاشی (امین الدوله) به جای وی منصوب شد. عباسعلی خان جوانشیر با عنوان وزیر عدلیه از دیگر اعضای این مجلس بود. با تشکیل وزارتخانه های مالیه، خارجه، جنگ، داخله و عدلیه، تحول مهمی در ساختار حکومت قاجار پدید آمد. زمینه های انجام تحول در امور اداری و کشوری و همچنین نظامی در حکومت قاجار از زمان عباس میرزا نایب السلطنه فراهم آمده بود، اما با موانع و اشکالاتی روبرو بود، با تشکیل "مجلس شورای وزرا" این موانع

اسناد معرفی شده در این مقاله، اشاره دارد به گوشه‌ای از این ترتیبات و تقسیمات اداری و اداره قشون که از جانب میرزایوسف مستوفی الممالک پیشنهاد می‌شد و با صحه گذاشتن ناصرالدین شاه و اعلام نظرات و پیشنهادهای وی که با دستخط خود در حاشیه این اسناد نگاشته شده، به اجرا در می‌آمده است.

بررسی یادداشت‌های ناصرالدین شاه که با دست خط خودش در متن احکام و پیشنهادها آمده، برخی نکات را که در کتاب‌های تاریخی کمتر بدانها پرداخته شده است، بر ما روشن می‌کند؛ اینکه ناصرالدین شاه سعی داشته است که آرای اهل فن را در بسیاری از امور بداند و بر پیشنهادهایی که ایشان در این امور می‌دادند صحه می‌گذاشته است و چنان که خود نگاشته استقلال افراد را در مناصب و مشاغل خود تأیید می‌نموده است، البته نه همیشه و نه در تمامی شرایط!

روند تشکیلات سازی ناصرالدین شاه در سال‌های بعد نیز کم و بیش به گونه‌های مختلف ادامه یافت چنان که اعتمادالسلطنه در خاطرات خود چنین آورده است: "یکشنبه ۲۳ [جمادی الثانی ۱۳۰۹]... از آنجا به منزل امین‌السلطان رفتم ایشان را خیلی کسل دیدم، به من درد دل می‌کرد که شاه یک مجلس شورای خواص فراهم آورده مرکب از نایب‌السلطنه و من و امین‌الدوله و مخیرالدوله و قوام‌الدوله و عضدالملک، کارهای دولت راجع به آن مجلس است..." (۱: ۷۹۰).

شاید بشود گفت اصلاحاتی که ناصرالدین شاه در زمان خود انجام داد و مراکز و دوایری که ایجاد نمود، در ظاهر امر می‌توانست بسیار مؤثر باشد، گرچه اشتباه محض است که تصور شود تنها با تشکیل مؤسسات متعدد و وسیع ساختن ادارات، اجرای مدنیت و شکل درست اداره امور کشور اعمال و پیاده شده است، ولی

اداره کشور داد، البته این تغییر ترتیبات به معنی تغییر روش‌ها و رسومات اداری نبود بلکه فقط افراد را بر سر کارهایی گماشت و مناصبی جدید بر مشاغل و وظایفشان افزود و به نوعی اداره امور نواحی، استان‌ها و شهرها و ولایات را میان افراد تقسیم کرد. با مشورت و توصیه‌های میرزا حسین خان سپهسالار، در سال ۱۲۸۸ ق. شاه پس از بازگشت از سفر عتبات، امر به تشکیل "دارالشورای کبری" یا "دارالشورای دولتی" که در بعضی سال‌ها به آن "مجلس دربار اعظم" می‌گفتند، داد؛ ریاست این مجلس و منصب صدراعظمی بر عهده میرزا حسین خان سپهسالار بود.

ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۱ ق. تصمیم گرفت اداره‌ای به نام صندوق‌های عدالت ولایات تأسیس کند و آن را زیر نظر علی رضاخان عضدالملک قرار داد؛ که آن نیز چندی نپایید، با گذشت زمان و درک این مسئله که تشکیلات جدید اداری و تقسیم مناصب آن میان افراد مختلف، مخالفینی قدرتمند دارد که مانع پیشرفت بسیاری از امور می‌شوند؛ ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۴ ق. تصمیم گرفت که امور مملکتی را میان میرزایوسف آشتیانی (مستوفی الممالک) و میرزا حسین خان سپهسالار اعظم (مشیرالدوله) تقسیم کند، و قرار شد که کارهای داخله و مالیه با مستوفی الممالک و امور وزارت جنگ و خارجه با مشیرالدوله باشد و شاه او را مجدداً سپهسالار اعظم خواند.

هیئتی مرکب از چند تن از شاهزادگان و رجال که با خود سپهسالار شش نفر شدند به نام هیئت وزارت جنگ ترتیب داد. این افراد عبارت بودند از کامران میرزا نایب‌السلطنه، میرزا حسین خان سپهسالار اعظم، سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه، محمودخان ناصرالملک، احمد میرزا معین‌الدوله و محمدرحیم خان علاءالدوله که بعدها میرزا موسی آشتیانی رئیس دفتر لشکر یا وزیر لشکر به آن ملحق شد.

۴. بنا به نظر محبوبی از دکانی سال ۱۲۹۱ ه. ق. درست است (۳: ج

شد که اگر مطالبی دارد نوشته بیاورد قرار و حکم آن بشود. ریاست دفتر لشکر مستقلاً با میرزا موسی است و لشکر نویسان کلاً باید در اطاعت او باشند و بروات نظام و قورخانه کلاً باید در دفتر لشکر نوشته شود و اداره های مزبور حق ندارند بگویند بروات ما را فلان لشکر نویس بنویسد یا ننویسد، این کار مستقلاً با دفتر لشکر است. ملیوس و چادر افواج و وجه نظام با امین لشکر است به علاوه برات نویسی و حساب قورخانه که در باب برات نویسی مطیع میرزا موسی و دفتر لشکر باشد.

اگر چه بنایی نظام با ناصرالملک است، اما معمار و مخارج آن را باید معمار باشی متصدی باشد؛ تکالیف و تعهداتی هم از جانب دولت به رؤسای مزبوره خواهد شد که از آن قرار معمول دارند که منصب بی جا به احدی داده نشود کسی را بی جهت معزول نکنند و تعارف و رشوه از احدی گرفته نشود احکام و آراء مجلس شورای نظامی را محترم بشمارند و امثال اینها.

[دستخط ناصرالدین شاه در صفحه بعد] جناب و جنابان وزرای عظام را مرقوم می شود در این آخر که حکم به اجتماع شما فرمودیم برای نظم قشون و اداره های آن، به خود شرط کردیم که در جزئی و کلی آن این دفعه ابداً مداخله نکرده و خودم حکمی نکنم و حال هم به همان شرط باقی هستم چرا که اگر یک حکمی به میل خودم بکنم مثل این است که جمیع احکام و صلاحدید شمارا بر هم زده باشم از جزئی و کلی باز به حکم شما وامی گذارم. در تعیین رؤسای عراق و آذربایجان هم هر حکمی شما بکنید مثل این است که از دهان من در آمده است و به همان قوت است پس بهتر این است هر چه زودتر قرار تعیین رؤسارا داده و آنها را کمال استقلال بدهند و آنچه در نظم و استقلال امر خود عرض بکنند باید پذیرفته شود و تکالیف همه را تعیین کرده کتابچه بنویسد و هر چه به طور الزام او را مهر کنند درستش می باشد [؟] که بعد از این به هیچ وجه راه عذری نداشته

علاوه بر این تفکر نه چندان درست، خبطی که ناصرالدین شاه کرد و دیگر پادشاهان آن سلسله و بسیاری از حکومت های ایرانی انجام دادند تربیت و مشورت با ناهلان در امور سیاسی و اجازه دخالت به ایشان بود، افرادی که تنها به منافع خود می اندیشیدند و برای تخریب یکدیگر، بسیاری از این مؤسسات تمدنی و تشکیلات اداری و اصلاحات را دگرگون می کردند و از حیز انتفاع خارج ساختند.

### سند ۱۲۶۳

بر حسب امر اقدس همایون اعلی که تجزیه قشون مرضی خاطر مبارک آمده بود از قرار تفصیل در مجلس دربار اعظم قرار آن صادر شد و به هر یک اعلام نمودند در باب رؤسای قشون عراقی و آذربایجانی که کدام به نواب نصرت الدوله و کدام به جناب علاء الدوله سپرده شود، موقوف به حکم همایون است.

توپخانه و اصطبل توپخانه مستقلاً به حضرت والا نایب السلطنه سپرده شد و قرار دادند مطالب متعلقه به توپخانه را هر چه به خاطرشان رسید مبنی بر انضباط امر توپخانه مرقوم فرمایند که در مجلس خوانده شود و قرار آن داده شود.

قشون آذربایجانی و عراقی از سواره و پیاده به نواب نصرت الدوله و علاء الدوله سپرده شد از قرار تفصیل که محتاج به حکم همایونی است.

### آذربایجانی عراقی

قشون دارالمرز از سواره و پیاده و نظام و غیر نظام به عضدالملک سپرده شد و قرار شد مطالب خودش را نوشته به مجلس بیاورد غیر از تفنگچیان گیلانی که سپرده معتمدالملک است و قرار شد صورت مطالب خودشان را نوشته به مجلس بیاورند و قرار آن داده شود.

ریاست مجلس شورای نظامی و قورخانه و نظم میدان مشق و بنایی نظام و اگذار به ناصرالملک شد و قرار

بر حسب امر اتره سرسویان ایام که تخریب قونین حضرت خاطر مبارک آید. لوزر خوار  
در مجلس و سایر اعظم مسووران مالکانه در هر یک اعلام نموده در باب رد آن تشریح  
در ذیل آن که کدام مجازب از آنها اند و کدام نجاب بحدود الله در آن بوده و توجیه

تو کمانه در اصلها تو کمانه مستعد خصم و الله  
نامت اللطیف برده شد و توجیه مالک مطالب  
تبدیل شده بود و توجیه طرانی بر سر تخریب  
امر تو کمانه مرتجع فکانه بر در مجلس خوار و لوزر  
مقررین مالک لوزر

قونین در امر لوزر لوزر و نظام و غیر نظام و توجیه هر دو بتطابق قونین توجیه  
بوضیحه مالک برده شد و در توجیه مطالب لوزر مجلس ساینده توجیه در آن  
توجیه مجلس ساینده و در لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر  
توجیه مجلس لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر  
توجیه انی مشق و بنا به نظام و لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر  
و در توجیه اگر مطالب و لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر  
ان لوزر

مجلس و سایر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر  
مجلسه در آن توجیه و توجیه توجیه هر دو  
رابط توجیه مطالب لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر

توجیه و توجیه ایام لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر  
مجلس و توجیه که مطالب لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر  
در توجیه لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر لوزر

نمونه ای از اسناد برگزیده

از ایلیخانگیری قاجارها تا دولت قاجاریه

در آورد عجالتاً این طوری که مصححت دانسته‌ایم معمول بدارید و رئوس مسئله قشونی معین بشود بعد در جزئیات عمل و نظم آن باز گفتگو و احکام خواهد شد انشاءالله تعالی و آن این است.

سرداری و اداره و نظم قشون دارالمرز از گیلان و مازندران و استرآباد از سواره و پیاده باریاست توپخانه به نایب السلطنه سپرده شود فیروزکوه جزء قشون مازندران است.

سرداری و اداره نظم قشون آذربایجان از سواره و پیاده سپرده به حسام السلطنه باشد.

سرداری و اداره قشون عراق از سواره و پیاده سپرده به نصرت الدوله باشد لازم است قشون عراق توضیح شود.

فوج گروس افواج خمسه سواره

شاهسون عراق و خمسه قشون کرمان

قشون اصفهان

قشون فارس افواج سمنان و دامغان

عجم فوج دماوند و غیره

طهران و اصل عراق افواج کرمانشاه

کردستان لرستان عربستان قزوین و ...

همه جزء عراق است از سواره و پیاده قشون خراسان هر کس والی خراسان است سرداری قشون خراسانی با اوست قورخانه و باروط کوب خانه به ناصرالملک سپرده شود.

ملبوس نظام و جبّه نظام خیام خانه نظام به میرزا قهرمان امین لشکر سپرده شود اصطبل توپخانه به حاجی بهاءالدوله سپرده شود. و این اداره جات و اردوها باید لباس سردار و صاحب منصب و تابین آن علیحده باشد که شناخته شود از لباس صاحب منصب و تابین که این شخص جزء کدام قشون واردوست و همچنین مشاق و معلمین و اطباء جراح و مهندسی این اردوها باید علیحده علیحده باشد و همچنین لشکرنویسان این اداره‌ها و

صلاحیدوزار، و اهل محلی؟] است هر کس را اصلاح بدانند من ممضی خواهم داشت باید طوری باشد که هر کس قبول هر اداره و خدمتی رامی کند حالت مجبورت نداشته باشد به میل و رضای خودش باشد ثانیاً کمال استقلال را در کار خود داشته باشد که هیچ راه عذر و بهانه نداشته باشد. این تجزیه و تعیین سرداران اول کار نظم قشون است بعد از آن چندین ملاحظات و قراردادهای هست که باید در مجلس حرف زده به اتمام و اختتام برسانند مثل نظم دفتر لشکر، قورخانه، ملبوس، مجالس شورای نظامی و تحقیق نظامی، نظم میدان مشق و غیره. این دفعه عمل و کار را نباید ناقص گذاشت و درخواست انشاءالله باید به انتها رساند که بعد از این همه روزه باز اسباب حرف و بی نظمی نشود راءى و ملاحظات اعتضاد السلطنه و عمادالدوله هم خوب است و عیبی ندارد اما آن طرز خیلی زحمت و مرارت دارد به جهت چند که نمی توان شرح داد بالاخره این است که به هر کس چیزی می سپارید استقلال او را در آن کار به سر حد کمال باید برسانید و نیک و بدر از چشم او باید دید.

سند ۱۲۸۸

[دست خط ناصرالدین شاه] جناب آقا

این چندروز که حکم شد در فقره نظم قشون گفتگو شود، ما خود هم بعضی تفکرات در این باب کردیم چون از الزم امور دولت است نتوانستیم که خودداری نکنیم آنچه برای نظم امروزه و آینده قشون ایران خیال کردیم این است که باید قشون ایران چند قسمت شده در مسیر هر قسمتی اشخاص کافی گذاشته شود که اداره آن قسمت وارد بتواند از عهده برآید. یک شخص اگر چه هزار کفایت و کاردانی داشته باشد نمی تواند که به کل امور قشون از سواره و پیاده، توپخانه قورخانه و وو آن طوری که منظور نظر است رسیدگی کرده تحت قاعده

است امین السلطنه تفصیل راشفاهاً جسارت خواهد کرد. زیاده عرضی و جسارتی ندارد. الامر الاقدس الاعلی مطاع.

[دست خط ناصرالدین شاه در حاشیه: جناب آقا نصرت الدوله غلط می کند استعفا می کند البته او را متنبه بکنید که این قسم کناره جوئی از خدمت را موقوف کند. سنه ۹۰.

اردوها باید بالمره سوا و علیحده باشد. البته به زودی همه این احکام را مجری داشته تکلیف هر سردار و اردو را معین بکنید و به عرض برسانید بعد از این باز احکامی که لازم است در این فقرات انشاء الله خواهد شد. از سلطنت آباد سنه ۹۰ تخاقوی نیل

سند ۱۲۸۳

قربان خاکپای مبارک اقدس همایونت شوم دست خط مبارک اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه در تقسیم افواج و سوار و سایر، زیارت و مایه مفاخرت این بندگان گردید همه چاکران عرضشان این است که هیچ فکر و خیالی در پاداری و نظم قشون بهتر از این نمی شود که به خاطر مبارک رسیده است و انشاء الله امیدواریم به اندک مراقبت قبله عالم روحنا فداه مقصودی که در نظر است حاصل گردد. فرامین و احکام آنها به همان تفصیلی که در دست خط مبارک سمت ترقیم یافته است نوشته می شود و به نظر همایون خواهد رسید. نواب نصرت الدوله عرضی دارد که امین السلطنه جسارت خواهد کرد مختصر عرض و استدعای ایشان این است که با کمال عجز و الحاح مستدعی است که او را از این خدمت معاف بفرمایند در قبول هر قسم خدمت که خارج از نظام و سوار باشد با کمال منت و شوق حاضر

#### ماخذ

۱. اعتماد السلطنه، محمدحسن بن علی. روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۹.
۲. بامداد، مهدی. شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ هجری. تهران: زوار، ۱۳۷۱.
۳. محبوبی اردکانی، حسین. تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
۴. مشیری، محمد. صدرالتواریخ. [بی جا]: وحید، ۱۳۴۹.

تاریخ دریافت: ۸۰/۲/۸۹